

مذاکره، مذاکرات اتمی، راه حل؟ شما بگویید!

فرهنگ قاسمی



اگر نوع بشر ادراک پیدا می‌کرد که قبل از پرداختن به جنگ اختلافات و معضلاتش را از راه مذاکره حل کند این همه نیرو به هدر نمی‌رفت و سرمایه‌ها صرف خونریزی و تجاوز به حقوق انسانی نمی‌شد.

در اینجا منظور از جنگ هم درگیر شدن نیروهای نظامی و انسانی و هم روش‌های دیگر مانند تحریم‌های اقتصادی می‌باشد که در جهان امروز اثر دومی از تأثیرات اولی کمتر نیست. در بسیاری از موارد قدرت‌های بزرگ جهانی از هر دو این روش‌ها برای تثبیت برتری‌طلبی خود و به زانو درآوردن دشمنانشان قبل از شروع مذاکره استفاده می‌کنند.

مذاکره و ویژگی‌های آن

اما مذاکره چیست و دارای چه مشخصاتی می‌باشد؟ مذاکره یکی از موضوعات مربوط به اداره کردن و سیاست است که بدون شک با آفرینش انسان اجتماعی آفریده شده است. در حالت طبیعی انسان متفکر مرتباً با محیط و موجودات اطراف خودش در حال مذاکره می‌باشد. همین‌طور در وضعیت رقابت و اختلاف آدمیان و گروه‌های اجتماعی، انسان‌ها و گروه‌های انسانی به نمایندگی یا به تنهایی برای پرهیز از توسل به خشونت و زور به مذاکره روی می‌آورند. اما در تعریف مذاکره باید گفت مذاکره روندی از ارتباطات برنامه‌ریزی شده و انتظام یافته است که در طی آن بین دو نفر یا دو گروه رقیب یا متخاصم برای رسیدن به هدفی یا از میان برداشتن مشکلی با قبول یک شیوه برای عملی ساختن موضوع مورد توافق واقع شده انجام می‌پذیرد. در مذاکره طرح و شناسایی مفاهیم و موضوعات و تعیین حد و حدود آنان از اهمیت بسزایی برخوردار می‌باشد. پرداختن به روش‌های عملی ساختن اهداف مشخص شده در پروسه مذاکره و برنامه‌ریزی زمانی آن اهمیت شایان توجهی دارد. به عبارت دیگر باید گفت مذاکره دارای دو بخش اساسی می‌باشد

بخش اول شامل شناسایی اختلافات و تعیین راه‌حل‌ها برای دست‌یافتن به تفاهم است و در بخش دوم به تعیین روش‌های و تدابیر عملی و برنامه‌ریزی زمانی آن پرداخته می‌شود. در مذاکرات گاهی به غلط گفته

می‌شود که بخش دوم شامل جزئیات می‌باشد. اما همین به اصطلاح جزئیات است که از اهمیت فراوانی برخوردار می‌باشد که می‌تواند همه بافته‌ها را پنبه کند و به گفته ضرب‌المثلی فرانسوی "در جزئیات شیطان لانه کرده است." بی‌دلیل نیست که در این تفاهم‌نامه آمده است « برنامه‌ی موشک‌های بالستیک ایران و بحث زمان‌بندی اجرای توافق و نهایی‌کردن متن آن و اجرایی کردن آن ، از چالش‌های بزرگی است که در پیش روی ماست » .

در مذاکراتی که بین قدرت‌های بزرگ جهانی و حکومت جمهوری اسلامی از بیش از یک سال به این سو پیرامون استفاده از اتم برای تسلیحات نظامی در حال انجام بود که بالاخره در روزهای اخیر تحت عنوان تفاهمی مورد توافق طرفین قرار گرفت جزئیاتی وجود دارد که هنوز به آن‌ها پرداخته نشده است که می‌تواند در ارزیابی نهایی توافق بسیار اثرگذار باشد. بنابراین با توجه به این امر باید در ارائه قضاوت نهایی احتیاط کرد. اما آنچه که از محتوای این تفاهم و شور و هیجان بی‌موردی که جمهوری اسلامی از خود نشان داده بطوریکه با ایجاد تاق پیروزی (نصرت) در نقاط مختلف خود را به مثابه برنده در این مذاکرات به ملت ایران معرفی می‌کند، بیشتر باید نسبت به برنده بودن ایران مشکوک بود تا به بازنده بودنش یا حتی دست یافتن به توافقی که در آن طرفین به اندازه برابر برنده باشند.

از عوامل مهمی که باید در مذاکرات رعایت گردد، نه تنها شناخت تکنیک‌های علمی مذاکره بلکه ادراک مذاکره‌کنندگان از مفاهیم و موضوعات در سایه شناخت و تجربیات نیز می‌باشد. مشکل رژیم جمهوری اسلامی در اینست که می‌خواهد مملکت را با اعتقادات آسمانی اداره کرده و مناسبات مذهبی قرون تاریکی را بر روابط ملموس زندگی قرن بیست و یکم اعمال کند.

مذاکره با شکست خوردگان

وقتی به ترکیب طرفین مذاکره کننده توجه می‌شود، در یک سو ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا قرار دارد که به زور تحریم‌ها طرف دیگر یعنی جمهوری اسلامی ایران را به پای میز مذاکره کشانده است . در مذاکراتی که تحت شرایط فشار اقتصادی علیه ایران انجام می‌شود به خودی‌خود آشکار است که برنده شدن ایران بسیار مشکل به نظر می‌رسد؛ زیرا درست است که حمله نظامی انجام نشده است، اما حملات اقتصادی ایران را در شرایطی قرار داده است که به مثابه یک کشور شکست خورده اقتصادی به پای میز مذاکره می‌رود تا هم استقلال و هم

آزادی ملت ایران را یکجا در طبق حماقت و بی‌خردی جمهوری اسلامی به عوامل سرمایه‌داری امریکایی و اروپایی تقدیم کند. و این حاصل شیوه کشورداری قشری از جامعه می‌باشد که پیرو اطاعت کورکورانه از سلسله مراتب روحانیت و به ویژه ولی فقیه است که از اندیشیدن و تحول در سایه تجربه و بکار گرفتن دانش و علوم انسانی بشدت بدور است.

عاقبت قلدری در برابر قوانین بین المللی

دست زدن به تولید تسلیحات اتمی در جهت شعارها و ادعاهای روح‌الله خمینی و دنباله او سید علی خامنه‌ای می‌باشد، ادعای صدور انقلاب و آزادی قدس از جاده کربلا از آن جمله است. تفکر اینان بر مبنای قدرت‌طلبی حاکمیت اسلامی در جهان است و می‌خواهد برتری و گسترش نفوذ دین اسلام، مخصوصاً هژمونی شیعه را جامعه عمل بپوشاند و برای دست یافتن به این هدف حقوق بشر و حقوق ملت‌ها و قوانین بین المللی را رعایت نمی‌کند. بر اساس چنین خواست‌هایی که به دور از تعقل و واقعیت‌های جهان امروز است جمهوری اسلامی ایران از همان بدو تاسیس همه اقداماتش را در جهت تخریب موقعیت کشور در سطح جهانی، هدر دادن ثروت ملی، تضعیف و ضایع ساختن حقوق مردم، گسترش فقر و فساد و واپسگرایی و تجاوز آشکار به آزادی‌های باشندگان سرزمین و فرهنگ ما بکار گرفته است. فضاحت تولید تسلیحات اتمی با توسل به قلدری و سرپیچی از معیارهای جهانی و تن دادن به تنبیهات قدرت‌های بزرگ جهانی از آنجمله است. در حالی که بر اساس همه تحقیقات علمی ایران نیازی به سرمایه‌گذاری در زمینه اتمی نداشته و ندارد. دست زدن به تولیدات اتمی برای ایران فقط برای تسلیحات نظامی و در شرائطی اهمیت دارد که بخواهد برتری نظامی خود را در منطقه حفظ کند که این با سیاست مسالمت‌آمیزی که ایران نیازمند آن می‌باشد در تناقض است.

سیاست تغابن و فریب

طی سی و پنج سال اخیر همه دست‌اندرکاران جمهوری اسلامی مردم ایران را به سخره گرفته‌اند با وقاحت و بی‌حرمتی‌گریبی که ویژه این قشر عقب‌افتاده و بی‌اخلاق از جامعه و خادمین آنان است افتضاحات و شکست‌های خود را به عنوان پیروزی به مردم حقنه می‌کنند. در دهه‌های اخیر مهمترین این تغابن کاری‌ها ادعای پیروزی در جنگ ایران و عراق و فاجعه گروگان‌گیری بود که امروز مساله اتمی نیز بر آنها افزوده شد. در فضاحت اتمی نشان داده شد که:

سران جمهوری اسلامی در اداره ثروت های مادی و معنوی ایران هیچ کاردانی قابل توجهی ندارند و قادر نیستند از منافع ملی ایران و حقوق ایرانیان پاسداری کنند. به راحتی تن به تبلیغات انحرافی و برنامه ریزی شده اسرائیل، نئوکان های جنگ طلب آمریکایی و برخی از کشور های عربی داده اند و امروز آن را به گونه ای جلوه می دهند که گویا جمهوری اسلامی ایران در این مذاکرات به پیروزی رسیده است. در صورتی که بر اساس تفاهم نامه « ایران دیگر رآکتور آب سنگین نخواهد داشت و اگر یک میلی متر تخطی داشته باشد؛ تحریم ها باز می گردد ». این گفته را اوباما در مصاحبه ای که با نیویورک تایمز انجام می دهد به شکل زیر تأکید می کند: « ما تمامی توان خود در منطقه را نابود نمی کنیم و توان نظامی ما همواره وجود دارد اما قبل از آنکه از آن استفاده کنیم باید توافق ایران را راستی آزمایی کنیم. در صورتی که ایران به توافق خود پایبند باشد خب ما هم توانسته ایم از راهی بسیار امن تر و کم هزینه تر با تهران تعامل کنیم و در همین زمان از هم پیمانانمان نیز دفاع کنیم.»

رژیم اسلامی به خوبی نشان داد منافع نظام دیکتاتوری به رهبری خامنه ای بر منافع مردم پیشی دارد و برای حفظ عمامه و تخت ولایت فقیه، علیرغم تبلیغاتش حاضر به هر نوع عقب نشینی و قبول وابستگی و ذلت نسبت به قدرت های خارجی می باشند. این موضوع در مصاحبه اوباما با توماس فریدمن نویسنده ستون آزاد و خبرنگار ارشد سابق نیویورک تایمز در مورد نقش و موضع خامنه ای در جریان حل دیپلماتیک توافق هسته ای بسیار مشخص است. رئیس جمهور آمریکا در پاسخ به سوال توماس فریدمن دایر بر اینکه در مورد آیت الله علی خامنه ای رهبر ایران چه آموخته گفت: «درک او مشکل است. من مستقیماً با او حرف نزده ام. در نامه هایی که او می فرستد، معمولاً اشاره زیادی به آنچه او دادخواهی های گذشته علیه کشورش می داند هست. اما به نظر من آنچه خیلی گویاست این است که او در این مذاکرات (اتمی) به مذاکره کنندگان آزادی عمل داد، این اختیار را داد که امتیازات مهمی بدهند، که امکان به ثمر رسیدن این چارچوب توافق را فراهم خواهد کرد.»

برای سرکوب مخالفان و ادامه سیاست ضد مردمی خود در داخل به مانند تمام دیکتاتور های، به سیادت قدرت خارجی تن می دهند. جمهوری اسلامی ثابت کرد که حافظ منافع و منافع ملی نیست و قادر است نه تنها نسل حاضر بلکه نسل های آینده را زیر یوغ قیمومیت قدرت های جهانی ببرد. چنانکه در این تفاهم آمده است: « این

توافق، تاریخ انقضا ندارد و به صورت مرحله‌ای و برخی از بخش‌های آن 15 تا 25 سال، پابرجا خواهند بود « همینطور » براساس پارامترهای مورد توافق در لوزان، تعداد سانتریفوژهای ایران تا دو سوم کاهش می‌یابد و این کاهش تا 10 سال ادامه می‌یابد « و دیگر اینکه «حجم اورانیوم غنی شده‌ی ایران برای مدت 15 سال و یا تا 25 سال، پابرجا خواهد بود » . در این مورد نیز اوباما در مصاحبه خود با نیویورک تایمز می‌افزاید : «... این توافق یک توافق خوب است و ما در مسیر درستی قرار داریم. این توافق بهترین گزینه برای ماست. در حقیقت حتی اگر بر این باور باشیم که ایرانی‌ها همه مخالف ما هستند بهترین راه برای کسب اطمینان از برنامه‌های هسته‌ای آنها این توافق است که به ما اجازه می‌دهد برای یک دوره بلندمدت از چند و چون برنامه‌های آنها مطلع باشیم و آنها را از دستیابی به سلاح هسته‌ای بازداریم.»

در هنر و فن مذاکرات بین مخاصمین اصل مهم دیگر اینست که طرفین هر دو با احساس رضایت بخشی از دور میز مذاکره بلند شوند اگر مقامات امریکائی می‌گویند که « تحریم‌ها به تنهایی نتوانستند ایران را متوقف کند و پس از مذاکرات بود که ایران متوقف شد » حاکی از عملی شدن این اصل نیست بلکه نشان‌دهنده این واقعیت است که رژیم جمهوری اسلامی در شرائط ضعف بوده در استدلال و منطق اقتدار لازم را نداشته است. در خلال این مذاکرات طولانی معلوم شد که زبان زور و قلدری و تبلیغات و عوام فریبی و دلک بازی در همه جا موفق نیست .

برخی می‌گویند داشتن صنایع اتمی حق ایران نیز باید باشدگیریم که این ادعا درست باشد. باید توجه داشت اولاً از نظر این نویسنده این حق شامل حال دیکتاتور ها و حکومت های استبدادی نباید باشد. ثانیاً در روابط بین المللی امروز اگر قانونی عادلانه نیست باید با استدلال های حقوقی و مناسبات دموکراتیک رفعش کرد روشی که مصدق ها، گاندی ها و ماندلا ها بکار بردند. مشاهده شد که سیاست جنگ طلبی و دخالت در امور سایر ملل توسط رژیم شعار های توخالی هستند که تنها در جهت تهییج افکار عمومی انجام پذیرفته بالاخره منجر با انزوای جهانی گردیدند. براساس این توافق تحریم ها و مجازات های وضع شده از سوی آمریکا و اروپائیان علیه ایران هنگامی که این کشور همه تعهداتش را انجام دهد پس از تأیید آژانس بین المللی انرژی اتمی برداشته خواهند شد. این مجازات ها و تحریم ها می توانند در صورت عدم رعایت این تعهدات از سوی ایران دوباره برقرار شوند.

تظاهر به انقلابی بودن وشنا کردن در جهت خلاف آب، عدم احترام به

قوانین و قرارداد های بین المللی با روش کشورداری امروزی هماهنگ نیست و عاقبتی غیر از تخریب اقتصادی کشور نداشته و در شرایط اقتصاد جهانی موجود تحریم ها می توانند کشوری را به زانو در بیاورند و زندگی مردم را به مخاطره جدی بیاندازند.

از دیدگاه توازن قدرت در منطقه سیاست های غلط جمهوری اسلامی نه تنها توانست امثال نتنیاها را در قدرت نگهدارد بلکه توانست "نا تو"ی عربی یعنی جبهه ای متشکل از کشورهای عربی به سرکردگی عربستان سعودی و اسرائیل که از مدتی پیش برنامه ریزی شده و تسلیحات نظامی آن توسط قدرتهای صنعتی - نظامی تدارک دیده شده بود را علیه ایران باعث شود که مورد توافق و پشتیبانی غرب به ویژه کشورهای اروپایی می باشد.

با توجه به آنچه که در این نوشته ذکر شده و با در نظر گرفتن توازنی که قدرتهای جهانی برای این منطقه ی پر آشوب از جهان برنامه ریزی کرده اند و نقشی را که در آینده ایران بر اساس خواست ها و انتظارات این قدرتهای از یک سو و سیاست های جمهوری اسلامی از سوی دیگر می بایستی در خاورمیانه بر عهده داشته باشد نقش اپوزیسیون جمهوری اسلامی چه باید باشد :

واقعیت اینست که ایجاد تسلیحات اتمی از همان ابتدا اشتباه بوده و وقایع سال های اخیر نشان می دهد که این اشتباه کماکان به قوت خود باقیست. چرا جمهوری اسلامی از تعطیل کلیت و تمام و کمال تسلیحات اتمی هراس دارد ؟ چرا نمی خواهد در کمال صراحت و راستی به جهانیان نشان دهد که واقعا تعطیل شده است ؟ در این صورت چرا نمی خواهد خود را از قرار گرفتن زیر تعهدات سنگین رها سازد ؟

واقعیت اینست که باید در جامعه آزادی برقرار گردد و با جهان در شرایط صلح و آشتی همزیستی کرد. اینها پند و اندرز خالی نیستند این ها راه حل های واقعی و ضروری برای استقلال و ترقی و پیشرفت و آزادی ایران و ایرانیان هستند که می توانند برای آینده مردم ایران مفید واقع شوند.

واقعیت اینست که رژیم جمهوری اسلامی باید قبول کند که ادامه صنایع اتمی برای ایران هزینه های مادی سهمگینی بوجود می آورد، نسل های آینده را متعهد می کند، حقوق آنان را برای مدت های طولانی از بین می برد و مملکت را مستقیماً به قدرتهای بزرگ وابسته می سازد.

واقعیت اینست که این رژیم هیچکدام از واقعیت های بالا را قبول نمی

کند و به قدرت طلبی و به دروغگوئی خود کماکان ادامه می دهد.
واقعیت اینست که این رژیم با بی‌پروایی کامل خود را در آزار و
زندانی و کشتار مخالفان محق می‌داند و همه آزادی‌ها از جمله آزادی
اندیشه و بیان و منشور جهانی حقوق بشر را زیر پا می گذارد.
در این شرایط راه حل چیست؟ شما بگوئید.

سه شنبه ۱۸ فروردین ۱۳۹۴ - ۷ آوریل ۲۰۱۵